

بررسی مقصود از «ذَرِيَّة» و «الفلك المشحون»

در آیه ۴۱ سوره یس *

- کرم سیاوشی^۱
- اسماعیل شعبانی کامران^۲

چکیده

آیه شریفه ﴿وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ﴾ (یس / ۴۱) از جمله آیات چالشی قرآن کریم است که در آن درباره مقصود از دو تعبیر «ذَرِيَّتَهُمْ» و «الفلك المشحون» در میان مفسران و قرآن‌پژوهان اختلاف نظر است. برخی این دو تعبیر را به ماجرای طوفان حضرت نوح عليه السلام ارتباط داده و مقصود از «ذَرِيَّة» را «پدران» و مراد از «الفلك المشحون» را «کشتی حضرت نوح» دانسته‌اند. برخی نیز مقصود از ذَرِيَّة را بذر وجودبخش برای نسل به وجودآمده پس از طوفان حضرت نوح عليه السلام می‌دانند. برخی دیگر با الهام از سیاق آیات، مقصود از «ذَرِيَّة» را «بنی نوع بشر» و مراد از «الفلك المشحون» را مطلق نوع کشتی می‌دانند. نظریات متنوع دیگری نیز در این باب مطرح است. در این مقاله با مراجعه به تفاسیر و با تأمل و تدبر در همه عوامل و بسترهای یاریگر در فهم آیات قرآن، بر

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۰.

۱. دانشیار دانشگاه بوعلی سینا - همدان (نویسنده مسئول) (karam.siyavoshi@yahoo.com).

۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث (shaebani.67@gmail.com).

این دیدگاه که مقصود از «ذَرِيَّة» «بنی آدم / نوع انسان» است و مراد از «الفلك المشحون» مطلق کشتی است، تأکید شده است.
واژگان کلیدی: ذَرِيَّة، الفلك المشحون، سورة يس، آیه ۴۱.

مقدمه

تفسیر و تبیین برخی آیات قرآن کریم به سبب اجمال و ایجاز یا تشابه تعابیر، آسان و سهل الوصول نیست. به همین جهت مفسران و مترجمان قرآن در ارتباط با این گونه آیات احساس دشواری کرده و دیدگاه‌های مختلفی را مطرح نموده‌اند. آیه ۴۱ سورة يس یکی از این گونه آیات است. در این آیه در بادی نظر، داستان کشتی حضرت نوح عليه السلام جلوه‌گری می‌کند. البته استعمال واژه «ذَرِيَّة» به جای واژه «آباء»، این برداشت ظاهری را با ابهام و دشواری‌هایی مواجه نموده است. لذا چندین پرسش اساسی در این رابطه مطرح است:

۱. آیا این آیه - به راستی و استواری - به ماجرای کشتی حضرت نوح عليه السلام اشاره دارد؟
۲. اگر چنین است، چرا به جای اشاره به «آباء» به ذکر «ذَرِيَّة» پرداخته است؟
۳. اگر این آیه به طوفان حضرت نوح عليه السلام مرتبط نیست، مقصود از «ذَرِيَّة» و «الفلك المشحون» در آن چیست؟

نگارندگان این مقال در صدد یافتن پاسخ این پرسش‌ها و دیگر پرسش‌های ضمنی مرتبط با موضوع هستند.

لازم به ذکر است که درباره این آیه تا کنون پژوهش مستقلی ارائه نگردیده و صرفاً مفسران قرآن در ذیل آیه مورد بحث، دیدگاه خویش را مطرح یا به دیدگاه‌های مختلف اشاره نموده‌اند. لذا انجام این پژوهش ضروری می‌نماید.

برای روشن‌تر شدن فضای بحث، ذکر آیات پیرامونی آیه مورد بحث از نظر می‌گذرد:

﴿بِأَحْسَرَةٍ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ * أَلَمْ يَرَوْا كَمَا أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ * وَإِنْ كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدُنَّا نَحْضَرُونَ * وَأَيُّهُمْ الْأَرْضُ اللَّيْتَةُ أَخْبِتْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ * وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَجِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ * لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ * سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ * وَأَيُّهُمْ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ * وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ * وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ

عَادَاكَ لَعْرُجُونَ الْقَدِيمِ * لَا الشَّمْسُ تَنْبُغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ * وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفَلَكِ الْمَشْحُونِ * وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ * وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيحَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ ﴿بِس / ۴۳-۳۰﴾.

اشاره

هر یک از مفسران و مترجمان قرآن به فراخور برداشت تفسیری خود از آیه مذکور، مصداقی از واژه «ذُرِّيَّتَهُمْ» و تعبیر «الفلک المشحون» ارائه نموده‌اند. ابتدا به ارائه گزارشی از بیان مفسران در تفسیر این آیه می‌پردازیم. آنگاه دیدگاه مترجمان قرآن را بازگو می‌نماییم، گرچه نظریات مترجمان نیز ناشی از بینش تفسیری است.

الف) مقصود از «ذُرِّيَّة»

در ارتباط با مقصود از «ذُرِّيَّتَهُمْ» دیدگاه‌های ذیل مطرح شده است:

۱. پدران و نیاکان

مقصود از «ذُرِّيَّة» پدران است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۶۶/۸؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ۲۲۳/۸؛ سبزواری نجفی، ۱۴۰۶: ۲۴/۶). بر اساس این دیدگاه، «ذُرِّيَّة» از «ذُرَّة» به معنای «حَلَق» است و چون «اولاد» از «آباء» خلق می‌شوند، لذا به اعتبار آنکه ایشان اصل خلقت اولادند، مقصود از «ذُرِّيَّة» کسانی هستند که خداوند آن‌ها را در کشتی (حضرت نوح علیه السلام) حمل نمود (گنابادی، ۱۴۰۸: ۲۸۸/۳-۲۸۹؛ حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۸۱/۱۱). علامه طباطبایی نیز در تفسیر آیه ﴿إِنَّا لَأَطْفَى الْمَاءِ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ﴾ (حاقه / ۱۱) گوید:

این آیه اشاره به طوفان نوح دارد و کلمه «جاریه» به معنای کشتی است و در این آیه، خطاب متوجه افرادی است که در کشتی نوح سوار بودند و در حقیقت خطاب به عموم بشر است؛ زیرا نیاکانشان همان‌ها بودند که به وسیله کشتی نوح از غرق شدن نجات یافتند، چون این اخلاف و آن اسلاف یک نوع‌اند و می‌توان حال بعضی از آنان را به همه نسبت داد (۱۳۸۲: ۱۹/۳۹۴).

۲. فرزندان

مقصود از «ذُرِّيَّة» فرزندان است (خطیب، ۱۳۸۸: ۱۲/۹۳۶؛ بروجرودی، ۱۳۶۶: ۵/۴۸۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۶/۴۲۱). معتقدان به این دیدگاه، آیه بعد را قرینه می‌گیرند؛ زیرا گرچه

مَرَكِبٍ: ﴿وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ﴾ (یس/ ۴۲)، برای عموم بشر اعم از پدران و فرزندان ... نعمت به شمار می‌آید، لکن برای فرزندان کم‌سن و خردسالان ارزشمندتر است؛ چرا که آن‌ها قدرت و توان بزرگسالان را ندارند، لذا به آن مَرَكِبٍ محتاج‌ترند. نیز این تعبیر برای تحریک عواطف آن‌ها مناسب‌تر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۸/۳۹۴-۳۹۵؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۱۶/۲۸۵).

۳. پدران و فرزندان

مقصود از «ذَرِّيَّتِهِمْ» در آیه مورد بحث، خلق کثیری از پدران و اولاد است (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱: ۱۱/۳۵). صاحب مجمع البیان معتقد است که این واژه گاهی بر پدران و فرزندان با هم اطلاق می‌شود؛ چه، پدران هم مانند فرزندان از نسل نیاکان پیشین هستند. بیان طبرسی در این باره چنین است:

﴿أَتَأْتُونَ الذَّرِيَّةَ﴾ یعنی البته ما حمل کردیم پدران و نیاکان ایشان را، آن‌هایی را که این گروه از نسل ایشان‌اند. ﴿فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ﴾ ضحاک و قتاده و جمعی از مفسران گویند: مراد کشتی نوح است که بر از مردم و نیازمندی‌های سرنشینان آنان بود و پس از آنکه از غرق شدن نجات یافتند از ایشان انسان‌های بسیاری به وجود آمد. اما پدران را «ذَرِّيَّة» نامید از «ذَرَّة» به معنای آفریدن، برای آنکه اولاد از ایشان خلق شده‌اند. اما اولاد را «ذَرِّيَّة» نامید، برای آنکه از پدران به وجود آمده‌اند... ﴿وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ﴾ ابن عباس و غیر او گویند: یعنی و آفریدیم برای ایشان مثل کشتی نوح، کشتی‌هایی که بر آن سوار شوند، چنانچه نوح سوار شد؛ یعنی کشتی‌هایی که بعد از کشتی نوح ساخته شد، مثل آن و بر صورت و شکل آن بود. مجاهد گوید: مقصود از ﴿مِنْ مِثْلِهِ﴾ شتر است و آن کشتی خشکی و صحراست. جبائی گوید: مثل کشتی از جنبنده‌ها مانند شتر و گاو و الاغ (۱۳۷۲: ۸/۶۶۶-۶۶۷).

البته واژه «ذَرِّيَّة» در برخی آیات، هم بر پدران و هم بر فرزندان اطلاق شده است،

مانند:

﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ * ذَرِّيَّةً بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ﴾ (آل عمران/ ۳۳-۳۴).

به عبارتی این واژه از اضداد است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱/۳۸۷؛ مقدسی دمشقی، بی‌تا: ۳۴۳).

۴. فرزندان و زنان

برخی مفسران بر آن‌اند که مقصود از «ذریه» فرزندان و زنان است که حمل آن‌ها برای مردم (پدران) مهم است؛ چرا که ذریه به زنان نیز اطلاق می‌شود (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۸/۴):

و گفته شده که مقصود از «ذریه» کودکان و زنان هستند و منظور از «فلك» کشتی‌های روان در دریاهاست. اگر ذریه را به سوار شدن در کشتی مختص کرده، به خاطر ضعف و نیازی است که به صورت طبیعی در آن‌ها وجود دارد؛ چه آن‌ها مانند مردان توانایی سفر ندارند، لذا خداوند کشتی‌ها را برای آن‌ها قرار داده تا بتوانند در دریا سفر کنند و شتر را نیز برای آن‌ها مسخر نموده تا با آن در خشکی سفر کنند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۶۶/۸).

به عبارتی مقصود از کشتی، کشتی‌هایی هستند که در دریا حرکت می‌کنند و امتنان و منت نهادن به سبب حمل ذریه و زنان بدان جهت است که آن‌ها ضعیف‌اند و قدرت بر حرکت و سیر در دریا را ندارند؛ چنان‌که در خشکی هم نمی‌توانند پیاده سیر کنند. شاهد این مطلب سخن خدای تعالی است که فرمود: ﴿وَخَلَقْنَاهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ﴾ (بس/ ۴۲)؛ یعنی مانند کشتی، جنبندگان آفریدیم که این ضعفا (فرزندان و زنان) بر آن سوار شوند و در خشکی نیز جابه‌جا شدن برای آنان آسان گردد (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۸۱/۲-۲۸۲). نکته اینکه پیروان این دیدگاه، آیه مورد بحث را به طوفان حضرت نوح علیه السلام مرتبط ندانسته‌اند.

۵. افراد موجود در صلب پدران در کشتی نوح علیه السلام

معتقدان به این دیدگاه بر خلاف دیدگاه پیشین، مقصود از «الفلك المشحون» را کشتی نوح علیه السلام می‌دانند و بر آن‌اند که مراد از ذریه‌ای که خداوند در کشتی نوح علیه السلام حمل نموده، ذریه‌هایی هستند که در اصلاص پدران در کشتی نوح علیه السلام حمل شدند و به این وسیله خداوند نوع بشر را از خطر انقراض حفظ نمود. به عبارت دیگر، گرچه خدای تعالی، پدران را در کشتی نوح علیه السلام حمل نمود، این امر در حالی صورت گرفت که ذریه نیز در اصلاص آن‌ها بوده است. بر این اساس هرچند خداوند هم پدران و هم ذریه

موجود در اصلاّب آن‌ها را همزمان در کشتی حمل نمود،^۱ تخصیص حمل به ذریه در آیه مورد بحث، به جهت ابلیغیت آن در امتنان است و لذا استعمال آن مجازی است (بلخی، ۱۴۲۳: ۳/۵۸۰؛ سزواری نجفی، ۱۴۰۶: ۶/۲۴؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۵/۵۱۹؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۸۹: ۴/۴۱۰؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۲۵/۶۷؛ حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۱/۸۱).

این دیدگاه با اندکی تفاوت به امام علی علیه السلام نیز نسبت داده شده است. کلام امام بنا به نقل قرطبی از ماوردی چنین است:
 ... مقصود از «ذریّه» در «الفلك المشحون»، همان نطفه‌هایی است که در بطون زنان داخل کشتی بوده است (انصاری قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۵/۳۵).

در صورتی که نسبت این سخن به امام علی علیه السلام درست باشد، مقصود از «الفلك المشحون» کشتی حضرت نوح علیه السلام است و «ذریّه» علاوه بر حضرت نوح علیه السلام و فرزندان و نوادگان و مؤمنان همراه وی، نطفه‌های آنان را نیز که نسل به نسل منتقل شده و انسان‌های پسین را پدید آورده است، در بر می‌گیرد. گویانکه این معنا در آیه «وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ» (صافات/ ۷۷) نیز که نسل حضرت نوح علیه السلام را به عنوان نسلی ماندگار معرفی کرده است، مطرح است.

بر اساس این برداشت، واژه «ذریّه» در آیه مورد بحث با همین واژه در آیه «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا...» (اعراف/ ۱۷۲) متناسب خواهد بود و بدین سان مسائله و گفتگویی که در این آیه با ظهور ذریه مطرح است در حقیقت با حضرت آدم علیه السلام صورت گرفته است و وی به عنوان آئینه تمام‌نمای همه خصلت‌ها و استعدادهای بشری تا روز قیامت شمرده می‌شود. لذا از مسائله با وی و استشهاد گرفتن او بر ربوبیت خداوند، تعبیر به مسائله و استشهاد با جمیع بنی آدم شده است (ر.ک: گنابادی، ۱۴۰۸: ۲/۲۱۶-۲۱۷)؛ چنان که در موارد دیگر نیز همچون «آموزش اسماء به حضرت آدم علیه السلام» همین استعداد به همه نسل بنی آدم تعمیم داده می‌شود.

در دانش شبیه‌سازی^۲ نیز که به مباحث ژنتیک موجودات زنده می‌پردازد، ثابت شده که یک موجود زنده می‌تواند واجد تمام مشخصات و ویژگی‌های گوناگون

۱. این مشابه دیدگاه سوم است که مدعی بود که مقصود از «ذریّه» هم پدران هستند و هم فرزندان.

2. Cloning.

هم نوعان خود باشد (ر.ک: براون، ۱۳۹۳).

۶. فقط زنان

بنا به قول دیگری که در مجمع البیان به فردی ناشناخته نسبت داده شده، مقصود از «ذَرِيَّة» در این آیه فقط زنان هستند؛ زیرا آنان کشتزار ذریه‌ها هستند و در حدیث است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از کشتن ذریه‌ها یعنی زنان نهی فرمود. نیز چون زنان ناتوان‌تر از مردان هستند و به سان مردان نیرو و توانایی مسافرت ندارند، لذا مخصوص به حمل شده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۷: ۲۵۶/۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲۵۴/۴).

۷. فرزندان آدم

صاحب التفسیر الکاشف گوید که ضمیر در واژه «لهم» و «ذَرِيَّتِهِمْ» به فرزندان آدم برمی‌گردد که خداوند را به جهت نعمت‌های بزرگی که به آن‌ها داده است، از جمله نعمت حمل کالاهایشان از سرزمینی به سرزمین دیگر، آن هم توسط کشتی به یاد می‌آورند (مغنیه، ۱۴۲۴: ۳۱۶/۶؛ نیز ر.ک: نسفی، ۱۳۶۷: ۸۳۳/۲). تفاوت این دیدگاه با دیدگاه دوم در این است که در اینجا منظور صرفاً کودکان و خردسالان نیستند که به خاطر ضعفشان محتاج کشتی بوده‌اند، بلکه مقصود تمام افراد بشر اعم از خردسال و بزرگسال هستند که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام متولد شده‌اند. بنابراین مطابق این دیدگاه، ذریه همه انسان‌ها هستند که در زمان‌های مختلف و مکان‌های متفاوت می‌توانند با استفاده از کشتی‌هایی که خداوند دانش ساخت آن‌ها را به ایشان آموخته، خود و کالاهای سنگینشان را جابه‌جا کنند و این نعمتی بزرگ است.

لذا گفته شده که منظور، جنس بشر در تمامی ازمنه است و اختصاصی به زمان حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَام ندارد (سید بن قطب، ۱۴۱۲: ۲۹۷/۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۹۵-۳۹۴/۱۸؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۳۸۱/۱۳؛ فخرالدین رازی، ۱۴۰۴: ۲۸۴-۲۸۳/۲۶).

۸. تمام جنس بشر در زمان حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَام

این دیدگاه بر آن است که به قرینه آیات پیشین و پسین، مراد از «ذَرِيَّة» تمام جنس بشر است. استدلال آن‌ها این است که منظور از ضمیر «هم» در آیه «وَآيَةٌ لَهُمْ» خصوص

مخاطبان نیست، بلکه منظور مشرکان مکه می‌باشد (ر.ک: نحاس، ۱۴۲۱: ۲۶۷/۳؛ بلخی، ۱۴۲۳: ۵۸۰/۳؛ خطیب، ۱۳۸۸: ۹۳۶/۱۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۹۵/۱۴؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۵۱۹/۵)؛ چه در ماجرای طوفان و باران، تمامی روی زمین را آب در بر گرفت و حتی کوه‌ها زیر آب رفت و اگر کشتی نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ ساخته نشده بود، نسل بشر بلکه نسل حیوانات برّی از بین می‌رفت... و این آیت بزرگی بود که توسط این کشتی، نسل بشر و نسل سایر حیوانات تا روز قیامت باقی بماند؛ لذا می‌فرماید: ﴿وَآيَةٌ لَهُمْ﴾ یعنی برای تمام جنس بشر.

نکته

لازم به ذکر است که اختلاف پدیدآمده در تفسیر واژه «ذَرِّيَّة» صرفاً به آیه مورد بحث محدود نمی‌شود، بلکه در ذیل آیه ۱۷۲ اعراف نیز که واژه «ذَرِّيَّتَهُمْ» به کار رفته است، مشکلات بیشتری موجود است؛ چه، مفهوم «ذَرِّيَّتَهُمْ» در این آیه نیز به سبب اختلاف نظر مفسران در مورد مکان، زمان و چگونگی اخذ میثاق اقرار به ربوبیت خداوند و اظهار عبودیت بندگان و... در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

تحلیل و بررسی

چنان که ملاحظه شد، دیدگاه مفسران پیرامون مقصود از واژه «ذَرِّيَّة» در آیه ﴿حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفَلَكِ الْأَشْجُونِ﴾ متفاوت است. گویانکه این اختلافات در مواردی ناشی از اختلاف نظر مفسران در مورد ریشه واژه «ذَرِّيَّة» است. در مورد ریشه این لغت، چندین احتمال مطرح است؛ چنان که با اندک تغییری در ماده اولیه، معنایی متناسب با آن ماده به ذهن خطور می‌کند:

الف) «ذَرَّ» بر وزن «شَرَّ» به معنای مورچه و موجودات بسیار ریز همچون ذرات غبار است. بنابراین ذَرّیه به فرزندان کوچک گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۲۷) از این نظر که فرزندان انسان نیز در ابتدا از نطفه بسیار کوچکی آغاز حیات می‌کنند. به عبارتی پس از آنکه خداوند حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ را آفرید، نسل او را نیز به صورت «ذَرَّ» خارج ساخت؛ لذا به آن‌ها ذَرّیه گفته می‌شود.

ب) «ذَرَّءٌ» بر وزن «زَرَعٌ» به معنای آفرید (نحاس، ۱۴۰۸: ۳۹۹/۱). بنا بر این معنا، از آنجا که اولاد از آباء خلق می‌شوند و به اعتبار اینکه آباء اصل خلقت اولادند، به آباء ذَرّیه

گفته می‌شود. با توجه به این معنا، مفهوم «ذَرِّيَّة» برابر با مفهوم «مخلوق» و «آفریده‌شده» است (خطیب، ۱۳۸۸: ۹۳۶/۱۲؛ گنابادی، ۱۴۰۸: ۲۸۸/۳-۲۸۹؛ حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۸۱/۱۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴/۷) لذا به صورت مجازی و بر اساس «علاقة ما یکون» اشاره به ذریه شده است؛ چه، اولاد حقیقتاً در کشتی نبوده‌اند، ولی با وجود آباء در کشتی، گویی آنان نیز بوده‌اند!

ج) «ذرو» بر وزن «مرو» به معنای پراکنده شدن است (مصطفوی، ۱۴۱۶: ۳/۳۱۳). برای این فرزندان را ذریه گفته‌اند که آن‌ها پس از تکثیر به هر سو در روی زمین پراکنده می‌شوند (همان: ۳/۳۱۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴/۷).
بر این اساس، واژه «ذَرِّيَّة» چه از «ذَر» اشتقاق یافته باشد و یا از «ذره» و «ذرو»، به ریزی، از نهان برآمدن، رشد یافتن و پراکنده شدن، اشعار و اشاره دارد.

تنوع در قرائت واژه «ذَرِّيَّة»

قاریان قرآن نیز درباره قرائت این واژه دیدگاه‌های متفاوتی دارند؛ چه، علاوه بر قرائت معروف (حفص از عاصم)، بر حسب قرائتی دیگر، حرف «ذال» مکسور خوانده می‌شود (ذَرِّيَّتَهُمْ). البته این قرائت شاذ قلمداد شده است (بیلی، ۱۹۸۸: ۲۰۵؛ ابن خالویه، ۱۳۹۹: ۳۳۳). نیز اهل مدینه، ابن عامر، یعقوب، سهل، اعمش و ابوجعفر، آن را به صورت «ذُرِّيَّاتِهِمْ» بنا بر جمع خوانده‌اند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۱۵۴/۱۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۶۶/۸؛ عمر، ۱۴۰۸: ۲۰۹/۵). علاوه بر نافع و ابن عامر، عده‌ای دیگر نیز برای تأیید دیدگاه خود مبنی بر اینکه مقصود از «ذَرِّيَّة» در آیه مذکور، زنان و فرزندان است، آن را به صورت «ذِرِّيَّاتِهِمْ» که هم‌وزن «صَبِيَّاتِهِمْ و نَسَائِهِمْ» است قرائت نموده‌اند (ابوزرع، ۱۴۱۸: ۶۰۰؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۵۱۹/۵؛ شبر، ۱۴۱۲: ۴۱۸).

به زید بن علی و ابان بن عثمان نیز قرائت «ذِرِّيَّاتِهِمْ» نسبت داده شده است (عمر، ۱۴۰۸: ۲۰۹/۵)، اما این نظر در تضاد با دیدگاه قاریان برجسته‌ای چون: عاصم، ابن کثیر، ابوعمرو، حمزه، کسائی و خلف العاشر است که آن را با حذف «الف» بعد از «یاء» و به فتح «تاء» و به صورت مفرد «ذَرِّيَّتَهُمْ» قرائت کرده‌اند (محسن، ۱۹۹۸: ۳۴۰/۱)؛ زیرا کلمه «ذَرِّيَّة» در جمع و مفرد به صورت یکسان استعمال می‌شود (همان: جواد آملی،

۱۳۸۹: ۴۲۱/۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۸/۳۹۴-۳۹۵؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۱۶/۲۸۵؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ۴۸۱/۵.

مقصود از «ذَرِيَّة» در پرتو دیگر کلمات آیه

با وجود آنچه در زمینه اختلاف قرائت و نیز ریشه واژه «ذَرِيَّة» مطرح شد، همچنان فهم آیه با ابهام و دشواری روبه‌روست و برای رفع مشکل، جستجوی قرائن دیگری لازم است. یکی از این قرائن آن است که مراد از تعبیر «الفلك المشحون» در آیه روشن شود. توضیحات و توجیهاات قرآن‌پژوهان در این باره، شاید بتواند در این راستا یاریگر باشد.

ب) مقصود از «الفلك المشحون»

واژه «فُلْک» به معنای دایره و مدار کروی است؛ لذا به مدار ستارگان «فُلْک»، و به کشتی شناور در دریا «فُلْک» می‌گویند (فراهدی، ۱۴۱۰: ۵/۳۷۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰/۴۷۸). طبرسی گوید:

«فُلْک» در اصل لغت به معنای «دائرة» است و کشتی را هم به خاطر دور زدن در آب دریا بدین نام خوانده‌اند. چرخ پنبه و پشم‌ریسی را نیز به همین اعتبار «فُلْک» گویند که به صورت دایره است. «فُلْک» برای جمع و مفرد هر دو استعمال می‌شود که در اینجا برای جمع به کار رفته است (۱۳۷۲: ۵/۱۵۲).

تعبیر «الفلك المشحون» علاوه بر آیه مورد بحث، دو بار دیگر نیز در آیات قرآن به کار رفته است:

۱. ﴿فَأَنبِئْهُمْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ * ثُمَّ أَعْرَفْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ﴾ (شعراء/ ۱۱۹-۱۲۰) که به روشنی مقصود از آن، کشتی حامل حضرت نوح عليه السلام است. البته ماجرای نجات حضرت نوح عليه السلام و یارانش با کشتی در آیات دیگری نیز مطرح شده است (ر.ک: اعراف/ ۶۴؛ یونس/ ۷۳).

۲. ﴿وَإِنْ يَوَسُّوْا لِمَنِ الْمُرْسَلِينَ * إِذْ أُنزِلَتْ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ﴾ (صافات/ ۱۳۹-۱۴۰) که مقصود از آن، کشتی حامل حضرت یونس عليه السلام است.

همان گونه که ملاحظه می‌شود، ترکیب «الفلك المشحون» بر خلاف استعمال آن

در دو مورد بالا که مصداق روشنی دارد و اختلافی بین مفسران نیست، در آیه مورد بحث دچار اختلاف است و دو دیدگاه مختلف درباره آن مطرح است که البته پذیرش هر یک موجب طرح تفسیری ویژه از آیه می‌شود. در ادامه به بررسی این دو دیدگاه می‌پردازیم:

۱. کشتی حضرت نوح علیه السلام

برخی گفته‌اند که منظور از «حمل ذریه در فلک مشحون» این است که خداوند ذریه بشر را که در زمان حضرت نوح علیه السلام می‌زیستند با کشتی‌ای که به امر خداوند و به دست حضرت نوح علیه السلام ساخته شد، نجات داد (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹: ۵۱۵/۶؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ۲۲۳/۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۶۵/۵؛ نسفی، ۱۳۶۷: ۸۳/۲؛ حسینی آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۷/۲۳؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۵۱۹/۵؛ سبزواری نجفی، ۱۴۰۶: ۲۴/۶؛ حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۸۱/۱۱). به عبارت دیگر، کشتی حضرت نوح علیه السلام که پر از افراد مؤمن و مایحتاج آنان بود، پس از غرق شدن کافران و مشرکان، با ایمنی تمام بر ساحل نجات فرود آمد. لذا از نسل آن‌ها، انسان‌های بسیاری به وجود آمدند. بدین سان خداوند در این آیه، پدران را «ذریه» نامید که از «ذره» به معنای آفریدن است؛ چه، اولاد از ایشان خلق شده‌اند.

۲. مطلق کشتی

بر اساس این تفسیر، منظور از «ذَرِيَّتِهِمْ» نوع بشر در تمام ازمنه است (سید بن قطب، ۱۴۱۲: ۲۹۷۰/۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۹۴/۱۸-۳۹۵؛ خطیب، ۱۳۸۸: ۹۳۶/۱۲؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۳۱۶/۶؛ قمی، ۱۳۶۷: ۲۱۶/۲؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۲۸۶/۱۶؛ مراغی، بی‌تا: ۱۵/۲۳؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۵۰/۱۹؛ بلخی، ۱۴۲۳: ۵۸۰/۳).

تحلیل و بررسی

از مبحث پیشین به دست آمد که تعداد قابل توجهی از مفسران، مراد از «الْفَلَكَ الْمَشْحُون» را در آیه ۴۱ سوره یس، کشتی حضرت نوح علیه السلام دانسته‌اند. لکن پذیرش این تفسیر با دشواری‌هایی مواجه است، زیرا:
اولاً: در آیات قرآن واژه «فَلْكَ» هم برای اشاره به کشتی نوح علیه السلام استفاده شده و

هم برای اشاره به نوع کشتی (برای نمونه، رک: بقره/ ۱۶۴؛ یونس/ ۲۲؛ ابراهیم/ ۳۲).

ثانیاً: همان طور که برخی مفسران گفته‌اند، اگر مراد از «آیه» در آیات پیش از آیه مورد بحث، یعنی آیات ﴿وَأَيُّهُمْ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ﴾ (یس/ ۳۳) و ﴿وَأَيُّهُمْ اللَّيْلُ نُسُخٌ مِنْهُ النَّهَارُ﴾ (یس/ ۳۷)، علائم و آیات ربوبیت و توحید خداوند باشد - که چنین است -، آن وقت مراد از «الفلك المشحون» مطلق کشتی خواهد بود، نه یک کشتی خاص؛ لذا مفسرانی چون سید بن قطب و مکارم شیرازی معتقدند که این آیه نیز همچون آیات پیش از خود، در راستای بیان عظمت ربوبیت و قدرت خداوند به خاطر حرکت کشتی‌ها در دل اقیانوس‌هاست که این حرکت بی‌شبهت به حرکت کواکب آسمان در اقیانوس فضا نیست (سید بن قطب، ۱۴۱۲: ۲۹۷/۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۸/۳۹۵). بر این اساس مفهوم آیه ﴿وَأَيُّهُمْ أَنَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفَلَكِ الْمَشْحُونِ﴾ چنین است: «از نشانه‌های عظمت پروردگار برای مردم این است که خداوند افراد بشر و وسایل و ابزار زندگی آن‌ها را با کشتی‌ها جابه‌جا می‌کند». لذا در این آیه، تعبیر «مشحون» اشاره به این دارد که نه تنها خداوند انسان‌ها را با کشتی جابه‌جا می‌کند، بلکه مال‌التجاره و وسایل مورد نیاز آن‌ها را نیز با آن حمل و جابه‌جا می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۸/۳۹۵).

علامه طباطبایی نیز تفسیری مشابه از این آیه دارد و می‌گوید:

این آیه شریفه، بیانگر آیتی دیگر از آیت‌های ربوبیت خدای تعالی است و آن عبارت است از جریان تدابیر او در دریاها که ذریه بشر را در کشتی حمل می‌کند و کشتی از آنان و از اثاث و کالای آنان پر می‌شود و از یک طرف دریا به طرف دیگر دریا عبور می‌کنند و دریا را وسیله و راه تجارت و سایر اغراض خود قرار می‌دهند. آری، کسی جز خدای متعال آنان را در دریا حمل نمی‌کند و از خطر غرق حفظ نمی‌کند؛ چون تمامی آثار و خواصی که بشر در سوار شدن به کشتی از آن استفاده می‌کند، همه از اموری است که خدا آن را مسخر انسان نموده است و همه به آفرینش خدا منتهی می‌گردد. علاوه بر این، اگر این اسباب به خدا منتهی و مرتبط نشود، هیچ اثر و خاصیتی نخواهد داشت. لذا اگر حمل بر کشتی را به ذریه بشر نسبت داد، نه به خود بشر، و اگر فرمود: ﴿حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ﴾ و فرمود: ﴿حَمَلْنَاهُمْ﴾ برای آن بوده تا بدین وسیله محبت و شفقت شنونده را برانگیزد (۱۳۸۲: ۱۷/۹۱-۹۲).

بدین‌سان سیاق آیه مورد بحث - همچون آیات پیشین - سیاق برشمردن نعمت‌های

الهی و نشان دادن قدرت خداوند در شناور کردن ستارگان و کواکب در افلاک و آسمان‌ها و شناور کردن کشتی‌های حامل فرزندان آدم در دریاها و اقیانوس‌هاست.

ثالثاً: در آیات قرآن کریم بارها به آفرینش کشتی به عنوان یکی از نعمت‌های قابل توجه الهی برای بشر اشاره شده و از آن‌ها دعوت به تفکر و تأمل در این نعمت شده است (برای نمونه، ر.ک: بقره/ ۱۶۴؛ یونس/ ۲۲؛ ابراهیم/ ۳۲؛ لقمان/ ۳۱). لذا در این آیه نیز فلک به عنوان وسیله‌ای برای حمل فرزندان مطرح شده تا انسان‌ها از رهگذر عقل و عاطفه به شناخت این نعمت الهی راه یابند (مغنیه، ۱۴۲۴: ۳۱۶/۶).

بر این اساس، مقصود از آیه ﴿وَآیَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ﴾ با توجه به آیه بعد از آن: ﴿وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ﴾ (یس/ ۴۲)، این است که خداوند نه تنها کشتی‌ها را مرکب نوع بشر قرار داده، بلکه مرکب‌های فراوان دیگری نیز برای بشر آفریده یا در آینده خواهد آفرید (نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۲۸۶/۱۶). لذا مقصود از «فُلک» در آیه مورد بحث، همه کشتی‌هایی هستند که در دریاها روان‌اند، نه صرف کشتی حضرت نوح علیه السلام.

رابعاً: «ال» در «الْفُلک» برای جنس است. بنابراین منظور از آن، کشتی خاصی نیست؛ چه اگر «ال» برای تعریف باشد، این پرسش پیش می‌آید که منظور از نشانه بودن کشتی حضرت نوح - آن هم تا روز قیامت - برای کسانی که بعد از آن‌ها می‌آیند، چیست؟ با دقت نظر در آیات پیشین و ملاحظه فراز ﴿يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ﴾ (یس/ ۳۰) که بلافاصله بعد از آن، آیات ﴿وَآیَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ...﴾ (یس/ ۳۳) و ﴿وَآیَةٌ لَهُمُ اللَّیْلُ...﴾ (یس/ ۳۷) و ﴿وَآیَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ...﴾ آمده است، می‌توان گفت که ضمیر در هر دو موضع - آیات پیشین و آیه مورد بحث - به اشخاصی معین (مثلاً کسانی که در کشتی نوح علیه السلام بودند) بازمی‌گردد؛ بلکه می‌توان گفت که به قرینه تغلیب، ضمیر در همه آن آیات که به یکدیگر معطوف‌اند، به بندگانی برمی‌گردد که آیات الهی برای آن‌ها یادآوری شده است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۲۸۳-۲۸۴/۲۶؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۲۲/۲۲).

نیز از سویی - همان گونه که پیشتر آمد - برخی از مفسران، مقصود از واژه «ذَرِیَّة» را در آیه مورد بحث، نوع بشر و همه فرزندان حضرت آدم علیه السلام - که شامل همه خلائق می‌شود - دانسته‌اند (ر.ک: نسفی، ۱۳۶۷: ۸۳۳/۲؛ فخرالدین رازی، ۱۴۰۴: ۲۸۳-۲۸۴/۲۶؛ سید بن قطب،

۱۴۱۲: ۲۹۷/۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۸/۳۹۴-۳۹۵؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۳/۳۸۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۳۱۶/۶.

بر این اساس می‌توان گفت که بین محور و محتوای اصلی سوره مبارکه «یس» با داستان طوفان حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَام هیچ گونه سنخیتی مشاهده نمی‌شود، چنان که آیه‌الله جوادی آملی می‌گوید:

سوره مبارکه «یس» در مکه نازل شده؛ لذا عناصر محوری سوره مکی، یعنی اصول دین و خطوط کلی فقه و اخلاق و حقوق، مسئله توحید و معاد و وحی و نبوت به صورت نکات اصلی در آیات گوناگون آن ذکر شده است. هر کدام از این آیات، هم مبدأ را ثابت می‌کنند و هم توحید مبدأ را (سایت اسراء، مجموعه دروس تفسیر، سوره یس، جلسات ۱۰ و ۱۱ با اندکی تصرف).

مؤلف تفسیر الفرقان نیز آیات مورد بحث را پیرامون محور مبدأ و معاد می‌داند (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۶۵/۲۵).

بدین‌سان می‌توان گفت که اگر مراد از آیه ﴿وَايَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِكِ الْمَخُونِ﴾ ماجرای طوفان حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَام بود، این آیه نمی‌توانست دلیل و نشانه‌ای برای اثبات مبدأ و معاد که محور اصلی سوره یس است، باشد؛ چرا که این امر از امور گذشته و غیبی به شمار می‌آید و در دسترس مخاطبان زمان پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و افراد پس از آنها قرار نداشته است، لذا نمی‌تواند از آیات دلالت‌کننده بر مبدأ و معاد به شمار آید؛ چه خداوند عمدتاً موضوع مهم مبدأ و معاد را از طریق معرفی آیات محسوس و ملموس، مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهد.

بر این اساس، این احتمال که آیه دارای ایهام باشد و همزمان هم شامل کشتی نوح عَلَيْهِ السَّلَام شود و هم نوع کشتی را در بر گیرد، نمی‌تواند استوار باشد.

بررسی آیه در ترجمه‌های قرآن

الف) ترجمه‌های فارسی

بررسی ترجمه‌های صورت گرفته از آیه ۴۱ یس، بیانگر آن است که بیشتر آن‌ها خالی از

کاستی و نارسایی نیست؛ چنان که گاه واژه «ذریه» با واژگانی غریب و یا با آمیخته‌ای از واژگان عربی و فارسی، به فارسی ترجمه شده است. همچنان که گروهی از مترجمان تسلیم دشواری آیه شده و نخواستند یا نتوانسته‌اند ترجمه‌ای مناسب و متناسب از آن ارائه دهند. بنابراین در ترجمه فارسی، یا واژگان آیه را بدون تغییر به کار برده و یا از عبارات عربی مشابه استفاده نموده‌اند. در تعدادی از ترجمه‌های انگلیسی مورد کاوش نیز اشکالاتی در خور توجه وجود دارد.

برای مثال در سه ترجمه «حلبی، رهنما و انصاری»، واژه «ذریّه» ترجمه نشده و «الْفُلْکُ المشحون» نیز به کشتی گرانبار ترجمه شده که نامفهوم و مبهم است و مقصود از آیه را به روشنی در اختیار مخاطب قرار نمی‌دهد.

در سه ترجمه «آیتی، برزی و فولادوند» نیز «ذریّه» و «الْفُلْکُ المشحون» به ترتیب به «نیاکان» و «کشتی انباشته» ترجمه شده است که بیشتر مشکل این برداشت از آیه مطرح گردید.

در ترجمه‌های «الهی قمشه‌ای، اشرفی، مکارم شیرازی و...»، «ذریّه» و «الْفُلْکُ المشحون» به «فرزندان» و «کشتی پرشده» ترجمه شده که این ترجمه نیز به خاطر مجمل و موجز بودن، دارای کاستی و نارسایی است؛ زیرا مشخص نیست که مقصود از سوار شدن افراد در کشتی پرشده چیست؟ آیا مقصود سوار شدن به کشتی در ماجرای طوفان حضرت نوح است یا منظور جریان مستمر این سوار شدن در طول حیات انسان است؟

در ترجمه‌های «پاینده، فیض الاسلام، بروجردی، رضایی، ارفع، یاسری و...»، «ذریّه» و «الْفُلْکُ المشحون» به «نسل یا نژاد» و «کشتی پر(بار)» ترجمه شده است که ظاهراً با سیاق آیه سازگار نیست.

در ترجمه «دهلوی» نیز که «ذریّه» و «الْفُلْکُ المشحون» به ترتیب به «قوم بنی آدم» و «کشتی پرکرده» ترجمه شده، هیچ درک درست و روشنی به مخاطب داده نمی‌شود! ترجمه «ذریّه» به «همنوعان» نیز توسط خانم «صفارزاده» ترجمه‌ای دقیق و استوار به نظر نمی‌رسد.

ب) ترجمه‌های انگلیسی

با بررسی برخی از ترجمه‌های انگلیسی مانند «شاکر، آبروینگ، آربری، محمد و سمیرا و ترجمه مترجمان» مشخص شد که این مترجمان نیز به تبعیت از ترجمه‌ها یا تفاسیر اندیشمندان مسلمان، دو واژه «ذَرِيَّة» و «الْفُلْكَ المشحون» را تقریباً به سان ترجمه‌های فارسی ارائه داده‌اند و نکته جدیدی در آن‌ها دیده نمی‌شود.

نویسنده برای آیه شریفه ﴿وَأَيُّهُمْ أَنَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ﴾ ترجمه ذیل را پیشنهاد

می‌دهد:

و برای آنان [= انسان‌ها] نشانه‌ای دیگر از ربوبیت ما این است که ما نوع انسان‌ها را در کشتی انباشته [از بار و مسافر] سوار نموده، [مانع فرو رفتن کشتی به زیر آب می‌شویم].

نتیجه‌گیری

۱. آیه مورد بحث، به سان آیات هم‌سیاق خود که به آیات و نشانه آفرینش و قدرت خداوند اشاره دارند، نعمت تسخیر دریاها و کشتی‌ها برای انسان را یادآور شده که نشانه حاکمیت و ربوبیت مستمر خداوند حکیم بر جهان هستی است. به همین دلیل، تمام افعال این سیاق دلالت بر استمرار دارند.

۲. بر اساس آنچه گفته شد، مقصود از «الْفُلْكَ المشحون»، نه کشتی حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ بلکه نوع کشتی است که در دریاها و اقیانوس‌ها روان‌اند و کشتی حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز تنها یکی از مصادیق آن می‌باشد.

۳. بدین سان منظور از «ذَرِيَّة» نیز صرف پدران، یا پدران و فرزندان، یا فرزندان و زنان و... نیستند؛ بلکه منظور تمامی افراد بشرند که از آغاز تا پایان دنیا برای مسافرت یا جابه‌جایی کالا از کشتی استفاده می‌کنند.

کتاب شناسی

۱. ابن خالویه، حسین بن احمد، *الحجة فی القراءات السبع*، تحقیق عبدالعال سالم مکرم، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۳۹۹ ق.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
۳. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق محمد حسین شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ ق.
۴. ابن منظور افریقی مصری، ابوالفضل محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۵. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تصحیح محمدجعفر یاحقی و محمدمهدی ناصحی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
۶. ابوزرع، عبدالرحمن بن محمد بن زنجله، *حجة القراءات*، تحقیق سعید افغانی، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۸ ق.
۷. انصاری قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۸. بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱ ش.
۹. براون، تی. ای.، *درآمدی بر DNA و کلون ژن*، ترجمه حسین رضوان، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۹۳ ش.
۱۰. بروجردی، سیدمحمدابراهیم، *تفسیر جامع*، تهران، صدر، ۱۳۶۶ ش.
۱۱. بلخی، مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، به کوشش عبدالله محمود شحاته، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ ق.
۱۲. بیضاوی، عبدالله بن عمر، *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، تحقیق محمد عبدالرحمن مرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
۱۳. بیلی، احمد، *الاختلاف بین القراءات*، بیروت، دار الجیل، ۱۹۸۸ م.
۱۴. تقفی تهرانی، محمد، *روان جاوید در تفسیر قرآن مجید*، تهران، برهان، ۱۳۹۸ ق.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم تفسیر قرآن کریم*، قم، اسراء، ۱۳۸۹ ش.
۱۶. حسینی آلوسی، شهاب الدین محمود بن عبدالله، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، تحقیق علی عبدالباری عطی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۱۷. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، *تفسیر اثنا عشری*، تهران، میقات، ۱۳۶۳ ش.
۱۸. حسینی همدانی، سیدمحمدحسین، *انوار درخشان*، تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۹. خطیب، عبدالکریم، *التفسیر القرآنی للقرآن*، قاهره، دار الفکر العربی، ۱۳۸۸ ق.
۲۰. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دار العلم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۲۱. زمخشری، جارالله محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۲۲. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق.
۲۳. سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، *فی ظلال القرآن*، چاپ هفدهم، بیروت - قاهره، دار الشروق، ۱۴۱۲ ق.

۲۴. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، *الدرر المثنور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.

۲۵. شبر، سید عبدالله، *تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شبر)*، بیروت، دار البلاغة للطباعة و النشر، ۱۴۱۲ ق.

۲۶. صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش.

۲۷. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲ ش.

۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، *تفسیر جوامع الجامع*، ترجمه و تحقیق محمد واعظ‌زاده خراسانی، تهران، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ ش.

۲۹. همو، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۷۲ ش.

۳۰. عمر، احمد مختار و عبدالعال سالم مکرم، *معجم القراءات القرآنیة*، کویت، مطبوعات جامعة کویت، ۱۴۰۸ ق.

۳۱. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر: مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.

۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، هجرت، ۱۴۱۰ ق.

۳۳. فضل‌الله، سید محمد حسین، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ ق.

۳۴. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، *التفسیر الصافی*، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق.

۳۵. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، تحقیق سید طیب موسوی جزیری، قم، دار الکتب، ۱۳۶۷ ش.

۳۶. کاشانی، ملا فتح‌الله بن شکرالله، *زیادة التفاسیر*، تحقیق علی عبدالباری عطیه، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۴۲۳ ق.

۳۷. گنابادی، سلطان محمد، *تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادہ*، چاپ دوم، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ ق.

۳۸. محیسن، محمد سالم، *القراءات و اثرها فی علوم العربیة*، بیروت، دار الجیل، ۱۹۹۸ م.

۳۹. مراغی، احمد مصطفی، *تفسیر المراغی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۴۰. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۶ ق.

۴۱. مغنیه، محمد جواد، *التفسیر الکاشف*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ ق.

۴۲. مقدسی دمشقی، ابوشامة شهاب‌الدین عبدالرحمن بن اسماعیل بن ابراهیم، *ابراز المعانی من حرز الامانی فی القراءات السبع*، بیروت، دار صادر، بی تا.

۴۳. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.

۴۴. میدی، ابوالفضل رشیدالدین احمد بن محمد، *کشف الاسرار و علة الابرار*، تحقیق علی اصغر حکمت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.

۴۵. نجفی خمینی، محمد جواد، *تفسیر آسان*، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۸ ق.

۴۶. نحاس، احمد بن محمد، *اعراب القرآن*، بیروت، منشورات محمد علی بیضون، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ق.

۴۷. همو، *معانی القرآن الکریم*، تحقیق محمد علی صابونی، مکه، مرکز البحوث العلمیه و احیاء التراث الاسلامی بجامعة امّ القرى، ۱۴۰۸ ق.

۴۸. نسفی، ابوحفص نجم‌الدین عمر بن محمد، *تفسیر نسفی*، تحقیق عزیزالله جوینی، تهران، سروش، ۱۳۶۷ ش.